



«جالینوس» اهل «پرگامون» یونان (برگامای کنونی در ترکیه) بود. وی در میان پزشکان یونان باستان که هریک در زمان خود بی مانند بودند- در مرتبه هشتم قرار داشت.

&#171;جالینوس؛ اهل &#171;پرگامون؛ یونان (برگامای کنونی در ترکیه) بود. وی در میان پزشکان یونان باستان که هریک در زمان خود بی مانند بودند- در مرتبه هشتم قرار داشت. وی در دورانی زندگی می کرد که اروپا تحت تسلط امپراطوری روم قرار داشت و نگاه رومیها به پزشکی، بیشتر در حد تاکید بر بهداشت همگانی بود. آنها قناتیایی را برای انتقال آب سالم فاضلابها و خارج کردن مواد زائد و گرمابه های عمومی و همچنین رعایت بهداشت شخصی افراد ساخته بودند. با وجود این، محدودیتهایی نیز در نگرش آنها وجود داشت. برای مثال، آنها به درمان بیماریهای فردی توجهی نداشتند و کالبد شناسی را نیز به حساب نمی آوردند. از این رو جالینوس به شناخت نقاط ضعف طب در رومیها کمک کرد. از آغاز پیدایش پزشکی تا آن زمان، سوفسطائیان در آن فن اختلاف نظر داشتند و خویبهایی آن را از بین برده بودند، اما جالینوس با قیام برضد آنان، نظریه های بقراط و پیروان او را استوار ساخت و کتابهای بسیاری در کشف حقایق فن پزشکی تالیف کرد. وی در برخی از تألیفاتش آورده است :

&#171;پدرم پیوسته مرا هندسه و حساب و ریاضیات آموخت تا به سن پانزده سالگی رسیدم، آنگاه مرا به آموختن منطق واداشت، زیرا میخواست فلسفه بیاموزم، ولی در خواب دید که مرا به تحصیل پزشکی وادارد و آنگاه مرا به فراگرفتن این فن گماشت. در این زمان، هفده سال داشتم&#171;

جالینوس پس از پایان تحصیلات پزشکی در &#171;پرغامس؛ آسیای صغیر و &#171;کورینت؛ یونان به اسکندریه مصر رفت. کتابخانه و موزه بزرگ آنجا دارای دو اسکت کامل انسان بود. بنا بر نظر جالینوس، همانگونه که معمار از روی نقشه کار می کند، پزشک هم نیاز دارد که بدن انسان را به طور کامل بشناسد.

قانون رومیها کالبدشکافی جسد انسان را ممنوع کرده بود. از این رو جالینوس بدن یک خوک، بز و میمون را تشریح کرد. او با انجام این کار، چیزهای زیادی آموخت، اما تمام جزئیاتی که در جانوران یافته بود، برای بدن انسان صدق نمی کرد؛ برای مثال، شبکه رگهای خونی که در زیر مغز جانوران مشترک است، در انسان وجود ندارد.

جالینوس با دانستنیهای فراوانی که در مورد کالبد شناسی انسان کسب کرده بود، در سال ۱۵۷ میلادی به &#171;پرغامس؛ برگشت تا به عنوان پزشک در مدرسه &#171;گلادیاتورها؛ خدمت کند. وی جنگجویان زخمی را درمان می کرد و از این راه، کالبدشناسی انسان را نیز به طور کامل فرا گرفت.

جالینوس در سال ۱۶۲ میلادی به روم رفت و فواید دانستنیهای خود را برای همگان به نمایش گذاشت. &#171;ادموس؛ پزشکی ناشناخته بود و از فلج مختصر در دست راست خود رنج می برد با نا امید شدن از پزشکان محلی، از جالینوس، پزشک جدید شهر درخواست کرد که او را معالجه کند. جالینوس با طرح پرسشهایی از ادموس متوجه شد که او از ارا به پرت شده و گردنش مجروح گردیده است. جالینوس می دانست که اعصاب انگشتان به ستون مهره ها ارتباط دارد و به جای انگشتان باید روی اعصاب گردن او کار کرد. پس از معالجه، بیمار به طور کامل بهبود یافت و در پی این موفقیت، &#171;مارکوس اورلیوس؛ امپراطور روم، جالینوس را به سمت پزشک دربار برگزید.

جالینوس در طول زندگی خود تعداد بسیار زیادی کتاب و مقاله پزشکی نوشت که بیش از صد عنوان از آنها شناخته شده است. کتابهای وی مجموعه ای از واقعیت ها، نظرها و نیز خطاهای آشکار است. او نشان داد که رگها وسیله انتقال خون هستند، نه هوا؛ ولی این کشف مهم را که قلب، تلمبه خون است، از دست داد.

آموزه های جالینوس از حمایت اولیای امور مذهبی قرون وسطی برخوردار شد. وی بر این باور بود که بیماری نتیجه ناهماهنگی چهار مایع حیاتی بدن یا اخلاط چهارگانه است. بر مبنای چنین نظریه ای، پزشکان فکر می کردند که با خون گیری یا حجامت از بیمار می توانند سبب ایجاد تعادل در چهار مزاج بدن و در نتیجه، سلامتی بیمار شوند. این طرز فکر تا اوایل قرن هجدهم که اولیای امور پزشکی برخی از خطاهای اساسی نظریه های جالینوس را نشان دادند- پذیرفته شده بود.